

شاید برپهربرداری از ایسن نکته که «خود فمینیست‌های رادیکال موم هیچ دقیقاً نماندند از جان خودشان چه می‌خواهند»، خیلی کار سختی نباشد؛ چراکه ده‌ها کتاب و مقاله در نقد نظرگاه فکری آنان به رشتهٔ تحریر درآمده و بسیاری مطالب نوشته‌شده هم نه دریافت‌های منتقدین سرسخت تفکر «اصالت برابری زن و مرد»، بلکه یافته‌های تجربی کسانی است که خود سابق بر این از برچمداران نهفت فمینیسم بوده‌اند. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که این مخالفت‌ها از ناحیهٔ کسانی ابراز می‌شود که از یک «راه رفته» سخن می‌گویند. فمینیست‌ها اگر یک سیمون دوبووار را به‌عنوان سمبل در کنار خود می‌بینند، اما در کنار آن باید صدها نام دیگر همچون سوزان فالودی، کریستینا هوف سومرز، ناسی لی هموس، آلن کلاین، برانس کریستنسن، آریل لوی، دافنه هارلف، دایانا پاستو، وندی شلیت و… را هم ببینند و دم برنیاورند؛ چراکه حتی یک نگاه اجمالی به مکاتب اجتماعی معاصر و حتی کلاسیک، به ما نشان می‌دهد که هیچ مکتب فکری به لحاظ جامعه‌شناسختی تاکنون در این حد زیر سلاق نقد و نفی و نفرت کسانی که خود پیرو آن هستند، نبوده است و این تنها قسمت کوچکی از تناقضی موجود در این مکتب معروف معاصر است که حامیان و میدعانِ آن، بزرگ‌ترین مخالفان نیز هستند.

جریان فعال فمینیسم امروزه در جهان شیوهٔ زندگی زنان بسیاری را تغییر داده است. این جنبش درصدد حذف نقش‌های جنسیتی و رهاسازی زنان از نقش‌های محدودکننده است. این نقش‌های محدودکننده، عوامل مختلفی دارند. به‌طور مثال، ایفای نقش‌های خانوادگی با عنوان همسر و مادر، از جمله عوامل محدودیت‌زا در این مکتب تلقی می‌شود. دبای پاستو، از منتقدین فمینیسم، در این‌باره می‌گوید: «فمینیست‌ها و همکارانشان با استفاده از روان‌شناسی و آموزش، یک نسل کامل را با این طرز تفکر که اساسا دو جنس هیچ تفاوتی با هم ندارند و فرهنگ زیانمند تغییر در روش نگرش به مسئلهٔ مذکر و مؤنث است، شست‌وشوی مغزی دادند.»

جنبش زنان برای رهاسازی از این محدودیت‌ها، دختران را تشویق می‌کند تا با اولویت یافتن شدن برای تحصیلات و اشتغال با هدف کسب موفقیت‌های اجتماعی و اقتصادی، ازدواج را به تأخیر اندازند و پس از ازدواج نیز فرزندانوری را به سال‌های پائینی سنین باروری خود واگذار کنند و پس از تولد فرزند خود نیز مسئولیت تربیت فرزندانشان را به مهدکودک بسپارند؛ بدون اینکه از اثر و پیامدهای ناشی از فرار از مسئولیت فردی خود و کوتاهی در تربیت نوزادان و کودکان آگاهی داشته باشند، چراکه به‌هیچ‌وجه قابل تصور نیست مهدکودک بتواند جایگزین انرزی، تعهد، توجه و محبت و ایثاری شود که مادر حاضر است نثار فرزند خود کند.

**فمینیسم چه می‌کند؟**

در یک طرح تحقیقاتی که گروهی از محققان دربارهٔ آثار و پیامدهای اجتماعی فمینیسم انجام دادند، نتایج تکان‌دهنده‌ای به دست آمد. گزاره‌هایی در قبیل نادودی معیارهای اخلاقی، نفوذ بیش از اندازه و برپای زنان، رواج ای‌پنداشناری، و همچنین انرژی، بی‌احترامی به شخصیت و هویت زنان، نادیده گرفتن آموزه‌های مذهبی و دینی، تضعیف شدید خانه و خانواده و فروپاشی اجتماعی، فمینیسمی قسمتی است که از سال‌ها بود، اما مسألهٔ اصلی اینجاست که به چگونسه با وجود این حجم از مخاطرات، با هم به نظر می‌رسد گرایش نسبتاً عمومی نسبت به حمایت و الزاماتی را برای کشور پذیرفتند و بار حقوقی سنگینی را تحمیل کرده‌اند.

رئیس اسبق سازمان محیط زیست با تذکر این نکته که اطلاعات محرمانه کشور با اجرایی شدن «توافقنامه پاریس» می‌تواند افشاء شود، گفت: در صورتی که این توافقنامه به قانون تبدیل شود، بار حقوقی سنگین و تحریم‌های جدید را به‌دنبال دارد.

فاطمه واعظ‌جوادی دربارهٔ ابعاد مختلف توافقنامه پاریس و تبعات آن برای کشور به تسنیم گفت: طبق توافقنامه پاریس، حق شرطب به هیچ عنوان پذیرفته نیست.

واعظ‌جوادی با بیان اینکه برخی الزامات و تصدیق‌ها داخل توافقنامه پاریس گنجانده شده است، تصریح کرد: چیزی که به مجلس شورای اسلامی رفته و تصویب شده با عنوان موافقتنامه پاریس است و در این توافقنامه سؤالات اساسی وجود دارد.

وی با انتقاد از عملکرد کسانی که این توافقنامه را امضا کرده‌اند، تاکید کرد: این توافقنامه بدون گذراندن مراحل قانونی در مجلس شورای اسلامی به امضا رسیده و باید از امضاکندگان آن پرسید که چرا چنین تصدیق و الزاماتی را برای کشور پذیرفتند و بار حقوقی سنگینی را تحمیل کرده‌اند.

رئیس‌اسبق سازمان محیط زیست اظهار داشت: ظاهراً توافقنامه پاریس توافقی محیط‌زیستی است اما باید این را مورد توجه قرار داد که ما در بخش دیگری از این محیط زیستی زیادی داریم؛ قاعده «لاضرر و لااضرار» محیط زیست را افعال الهی می‌داند و آن را برای خانواده، رسول، امامان، و سپس دولت و سازمان محیط زیست معرفی می‌کند.
مجلس شورای اسلامی و کمیسیون و تحت تأثیر اصول آن در جمله اصل برابری و بحث مشترک و متفاوت باید کارهایی انجام گیرد».
بعد از بخش مقدمه نگاری مشترک در آرایهٔ اول، بخش بعدی (یعنی آیه) هنگام اتخاذاقداماتی برای پرداختن به تغییر آب‌وهوا به تمهيدات مربوط خود در مورد حقوق بشر توجه کنند.»
به گفته رئیس اسبق سازمان محیط زیست، مطرح کردن این بند الزام‌وار در مقدمه توافقنامه پاریس چه ربطی به موضوعات زیست محیطی دارد؛ چرا چنین موضوعاتی در توافقنامه پاریس مطرح شده و هیچ توجهی صورت نگرفته است.

وی ادامه داد: رفتار کشورهای توسعه‌یافته در سال ۲۰۲۰ مشخص بوده و این توافقنامه هم بخشی از جورجینی است که آنها برای ما با جهان یکپارچه تارک دیدند.

## در خدمت و خیانت «خانواده»

**\* باور این‌که جریان‌های فمینیستی تا این حد دارای تناقض باشند دشوار است و این نقد وارده به اکثر حامیان جریان‌های فمینیستی است که برای توجیه اهدافشان، از ابزاری استفاده می‌کنند که خود بر علیه آن در حال مبارزه هستند! و در حالی که نافی نگرش کالائونه به زن و به دنبال از بین بردن مرزهای جنسیتی هستند، برای بیان اعتراضاتشان از تنانه‌ترین وجوه زنانه استفاده می‌کنند.**

### اجتماعی Ejetmaee @kayhan.ir



سروش ستایش راد \*

# فمینیسم

# و تناقض‌های جنسیتی آسیب‌زا

روزنامه‌ها، محصولات زنانه مانند عروسک‌های

بازتابی از فرهنگ است و نیازهای اجتماعی را پاسخ می‌دهد، اما گذشته از این، رسانه به‌طرز قابل توجهی ظاهری زنان و تشویق آنان به گرایش‌های مصرفی زیبایی‌ظاهری هستند.قرار گرفتن دختران در چنین محیطی، ممکن است توجه آنان به قیمت و ارزش خود به روشی غیر از روش جنسی را دشارت سازد.

نتیجهٔ بررسی‌ها در سال ۲۰۰۵ نشان می‌داد که تصاویر و یا برنامه‌های رسانه‌ای که در آنها شخصیت‌های مؤنث به‌طرز قابل توجهی جذاب‌تر از شخصیت‌های مذکر مشغول می‌شوند. یک تحقیق که لباس می‌پوشند، رشدی چندبرابری نسبت به یک دههٔ قبل داشته است. اگر زنان و دختران به‌میزان زیادی در معرض اطلاعات رسانه‌ای کنترل نشده باشند، باعث می‌شود که بیشتر در معرض تصاویری این گزارش همچنین تصریح می‌کند که بیش از ۶۸ درصد کودکان در اتاق خوابشان تلویزیون دارند، ۵۱ درصد دختران با بازی‌های رایانه‌ای و تصاویر ویدیویی همسرزگار دارند، به وبسایت‌های مختلف و یا اتاق‌های چت می‌روند و در آن محیط‌ها در حال تعامل هستند. تحقیقات بنیاد خانواده فیصر نیز در سال ۲۰۰۱ حاکی از آن بود که در ۷۰ درصد نوجوانان ۱۵ تا ۱۷ساله به‌صورت اتفاقی در اینترنت با تصاویر و یا فیلم‌های پورنوگرافی روبه‌رو شده‌اند و بیش از ۸۰ درصد شه‌وای موسیقی پخش‌شده در اینترنت بت حاوی تصاویر سکسی و سوزنده‌ای جنسی بوده‌اند. علاوهبر اینترنت و سینما، حجم زیادی از فرهنگ فمینیستی توسط ادبیات (داستان‌واشعار)، بازی‌های کامپیوتری، تبلیغات، کارتون‌ها و انیمیشن، مجلات

آشپزخانه زحمت نمی‌کشد، برای فرزندان و همسرش فداکاری نمی‌کند و به‌طور فردی زندگی می‌کند و مستقل از زندگی خانگی است.
درک این موضوع از سوی فمینیست‌هازمانی مشکل می‌شود که به تناقض آشکار بین ساختن‌یابی فکری ایدئال‌های فمینیستی واقعیت‌های اجتماعی برسم.
فمینیسم در خط مقدم **حمله به نهاد خانواده**

مسئلهٔ اصلی در نقد فمینیسم این است که نقش زنان در انتظام‌بخشی به نظام اجتماعی از طریق کار کردهایی حاصل می‌شود که برای آن نقش تعریف شده و هرگونه جا‌به‌جایی در این اصول، خارج از قواعد فونکتسیونالیستی نقش است. مگر می‌توان

فمینیسم در خط مقدم **حمله به نهاد خانواده**
مسئلهٔ اصلی در نقد فمینیسم این است که نقش زنان در انتظام‌بخشی به نظام اجتماعی از طریق کار کردهایی حاصل می‌شود که برای آن نقش تعریف شده و هرگونه جا‌به‌جایی در این اصول، خارج از قواعد فونکتسیونالیستی نقش است. مگر می‌توان نبراه‌های زنان را تغییر داد یا با تغییر در آفرینش، آنان را دست‌کاری ژنتیکی نمود و یا موجود جدیدی خلق کرد؟ سوزان برونمیلر، فمینیست معروف، در مقاله‌ای که در سال ۱۹۷۰ در «فمینیورگ‌تایمز» به چاپ رسید، نوشت: «زنان به‌عنوان یک گروه هرگز گروه دیگری را تحت سلطهٔ خود در دنیاورده‌اند. ما هیچ‌گاه به وطن در جنگ برای فتح و پیروزی، رژه نرفتایم. این‌ها بازی‌هایی است که مردان انجام می‌دهند. ما دید متفاوت داریم. ما می‌خواهیم نه ظالم باشیم، نه مظلوم. انقلاب زنان و اهداف جنبش آزادی زنان، بسیار بالاتر از مفهوم سلاسهٔ تساوی بین زن و مرد است.» اما به‌واقع آنچه فمینیست‌های موج‌سومی همچون او می‌خواستند، تغییر شکل سیاست، فرهنگ، اقتصاد، خانواده، نگهداری از کودک، سکس، عشق، خانه‌داری، سرگرمی، تحصیل … و به نفع نگرش

یک مرد مورد حمایت واقع شود و یا اینکه ازدواج، خانه و خانواده مهم‌ترین قسمت زندگی یک زن است و وظیفهٔ مرد حمایت از او می‌باشد را به‌صورت جدی رد می‌کند.» این شیوهٔ برخورد دکماتیستی با مسئلهٔ زن و مرد، به‌طور حتم با پیامدهایی همراه است که بدیهی‌ترین آن در آسیب جدی به شخصیت زن در مقام مادر و شکست ارزش خانواده به‌عنوان یک نهاد مقدس بروز می‌یابد. به عبارت دیگر، از نظر فمینیست‌هایی که به اختلاط فریدی زن و مرد بدون حفظ حریم زن می‌اندیشند، پرورش نسل آینده و شناساندن آداب‌ورسوسم زندگی و اخلاق اجتماعی، هیچ اهمیت خاصی ندارد.

فمینیست‌ها به‌سختی می‌توانند بپذیرند که برابری حقیقی فرصت‌ها و آزادی انتخاب‌شغلی، مستلزم اختلاط محیطی با مسرد و تابورژدایی از مسئلهٔ عناف زن نیست. در بهترین حالت، چنین وضعی به جدایی کامل زنان از خانواده و فرزندانشان تا زمان بلوغ کودکان می‌انجامد و اساس تربیت را به نهادهای اجتماعی جدا از خانواده مانند مهدهای کودک، برون‌سپاری می‌کند. این موضوع به‌طور کاملأ مشخصی با اهداف خود فمینیست‌های افراطی نسل سوم و چهارم، در تعارض است؛ چراکه تربیت نسل جدید دختران عملاً از خرجهٔ نظریات آنان خارج می‌شود و تفکر واهی آنان را در طول زمان تبدیل به فسیل می‌کند.

تصویر چنین حالتی (اختلاط کامل محیطی زن و مسرد بدون هرگونه تمایز) نه‌تنها باعث پررنگ شدن نقش زن در جامعه نخواهد شد و مقام او را ارتقا نخواهد داد، بلکه با انسداد نقش محوری زن در کانون اصلی تشکیل جامعه یعنی خانواده، فروپاشی ساختارهای اجتماعی را نیز هدنبال خواهد داشت، چنین برداشتی از اختلاط زن و مرد نه‌تنها نشانی از ترقی اجتماعی و روشن‌فکری نیست، بلکه سبب تضعیف کارکردی نقش مرد نیز می‌شود. این در حالی است که گروه مقابل ایسن نظریه که در دل فمینیست‌های رادیکال و تندرو قرار دارند، به نقطهٔ مقابل این موضوع می‌اندیشند: ایجاد محیط‌های کاملأ زنانه بدون هیچ‌گونه تماس و ارتباط و اسطکلاکی با محیط مردانه؛ به عبارت دیگر، ساختن جهانی زنانه و بدون مرد. در هر دو این نظریات، آنچه به‌صورت پرتنگی قابل مشاهده است، افراط‌و تفريط و دوری از تعادل و منافی فلسفه است که لازمهٔ ادامهٔ حیات سالم نوع بشر است. تجویز چنین طرز تفکر و دیدگاهی نه‌تنها راهگشا نخواهد بود، بلکه به نیت و انجماد حیات معنوی انسان معاصر می‌انجامد. آموزه‌های اسلامی از معدود بنیان‌های فکری مبتنی بر اعتدال را در برخورد با جنس زن و حفظ حریم وی و احترام گذاشتن به ارزش‌های زنانه است. از این منظر، استفاده از توانمندی‌های شخصی و انجام فعالیت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، هیچ تناقضی با ارزش قائل شدن برای کانون خانواده ندارد، بلکه باید با دوراندیشی، راه‌هایی برای برون‌رفت از آسیب‌های مورد انتظار در جوامع کنونی پیش‌بینی کرد.اسلام از عناف، حیا، حجاب، حفظ ارزش خانواده و تلاش برای گسترش آن، تأکید بر ایمان و باورهای الهی و نیز کنترل ارتباط محیطی به‌عنوان سبب کنترل ناهنجاری اجتماعی و فردی استفاده می‌کند. نظرات و تحقیقات نشان‌دهندهٔ این موضوع

این‌ها باورهای مدرن مانند کار، بر تسلط بر محیط تأثیر منفی می‌گذارد. پژوهشگران در یک تحقیق در دانشگاه هاروارد دریافتند که ۲۳ درصد رفتارهای جنسی غیرمستقیم، چرچرانی، دل‌بری، زل زدن با رفتارهای دشمن یا با جنس مخالف ناشی از محیط کار غیراستاندارد برای زنان بوده است. علاوهبر این، محتوای بیش از ۸۵ درصد از مکالمات مردان دربارهٔ زنان، اظهارنظر در مورد اجزای بدن یا

پارادوکس مشخص دیگر فمینیست‌های رادیکال، که جواب واضحی هم برای آن وجود ندارد، مسئلهٔ تفکیک جنسیتی است. به نظر می‌آید سیاست فمینیستی ایجاد می‌کند در برخورد با مسئله تفکیک محیطی زن و مرد، موضعی متناقض اتخاذ کند تا موقعیت مناسب، از آنچه به نظرش مطلوب می‌آید، استفاده کند. در اکتبر سال ۱۹۶۶ میلادی در سخنرانی واشنگتن، اطلاعیه‌ای با این مضمون منتشر کرد: «ما پیش‌فرض‌های رایج را مبنی بر اینکه مرد باید مسئولیت حمایت از خود، زن و خانواده‌اش را به دوش بکشد و اینکه زن در موضعی قرار داده شود که بعد از ازدواج در تمام عمر توسط

پاریس است که اگر هر کدام از الزامات اتفاق نیفتد، ممکن است ابزاری برای فشار بر ایران و تحریم‌های جدید را به‌دنبال داشته باشد.

این مسئول اسبق سازمان محیط‌زیست دربارهٔ اینکه آیا پذیرفتن این توافقنامه در دولت آگاهانه یا ناآگاهانه بوده است، اظهار داشت: نمی‌توانم نسبت به این روند برنامه‌های مطرح شده خوشبین باشم؛ بنده در سال‌های اخیر در مورد مسائل مختلف محیطی سکوت کرده‌ام یا آنکه پیغام‌ها را به خود مسئولان ذیربط رسانده‌ام اما واقعاً این توافقنامه به شکل امفا شده به هیچ عنوان به صلاح کشور نیست.یک زمان شما توافقی انجام می‌دهید که هم سطح است یعنی امتیازی داده و امتیازی دریافت می‌شود اما امضای توافقنامه پاریس به این سبک را قبول نداریم.

وی دربرساره اینکه آیا می‌توان این توافقنامه را به گونه‌ای دیگر با بصورت مشروط پذیرفت، گفت: صراحتاً مادامی وجود دارد که تأکید می‌کند حق شرطی وجود ندارد؛ وقتی شما توافقنامه را پذیرفتید دیگر نمی‌توانید بعد از آن شرط بگذارید.

واعظ جوادی خاطر‌نشان کرد: متأسفانه بندهای زیسادی در این توافقنامه وجود دارد که باید دقت لازم صورت گیرد؛ متأسفانه در صورت ورود و اجرایی شدن این توافقنامه برای تمامی اطلاعات خردمان را هر چند که محرمانه هم باشد ارانه کنیم.

به گفته این کارشناس محیط‌زیست، در حال حاضر دلیلی وجود ندارد که وارد این توافق شویم ضمن اینکه هنوز ذهن وارد نشده‌ام بنابراین تعهد می‌به به آن شکل نداریم.

**باید در بندبند اطلاعاتی دقت کنیم**
وی با بیان اینکه باید افضسای توافقنامه با دقت صورت گیرد، اظهار داشت: به عنوان نمونه برخی کشورها همانند روسیه به این توافق ملحق نشده‌اند و ما هم باید حرکت کنیم. شیوه زندگی مناسب را اسلام برای همگان مورد توجه قرار داده و ما نباید زیر برقی کشورهای غربی و توسعه‌یافته برویم؛ ما سبک زندگی اسلامی – ایرانی را اختیار داریم و باید به آن توجه شود.

**توافقی که می‌تواند باعث تحریم شود**

وی با بیان اینکه برای این توافقنامه پاریس فقط در بخش‌های اولیه بوده و هرچه در بندهای مختلف پیش می‌رویم به ایرادات فراوانی می‌رسیم، نامفهوم است: متأسفانه نیست متن ترجمه شده به مجلس وقت و رای آورد که البته شورای نگهبان ایرانی به آن گرفته و امیدواریم در ادامه روند دقت شود.

**خالق متعال یا مادر زمین؟!**

رئیس اسبق سازمان محیط‌زیست با بیان اینکه در برخی قسمت‌های این توافقنامه از آفریننده محیط‌زیست و موضوعات مرتبط به آن با عنوان واژه «هادر زمین» یاد شده است در صورتی که ما مسلمانان می‌گوییم که خالق متعال، زمین و تنوع زیستی را آفریده است و اینجا این سؤال زمین می‌آید که چرا مسئولان جمهوری اسلامی در زمان امضای توافقنامه به این واژه و گنجاندن آن دقت نکرده‌اند. در برخی بخش‌های دیگر این توافقنامه بر شیوه زندگی پایدار و آگاهی‌یابار مصرف آن هم ایران و… برخی دیگر از دغدغه‌هایی موجود در توافقنامه

### صفحه ۸ شنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۶ ۱۲ محرم ۱۴۳۹ – شماره ۲۷۳۶

برهنگی بوده است (ال ام وارد، ۲۰۰۲). همچنین ۸۷ درصد از آزارها که شامل اصطلاحات تحقیر آمیز و با نگاه جنسی صرف به اندام زنان بوده، در محیط کار مختلط اتفاق افتاده است. خارج از محیط کار نیز آمارها تکان‌دهنده است. با گسترش اختلاط محیط عمومی و کاری، روابط بین زن و مرد نیز ناگهان رو به سستی آورد. میزان طلاق، که در دههٔ هفتاد و هشتاد (از ۱۹۶۷ به بعد) بین پنج تا ده درصد ثابت بود، در میانهٔ سال‌های ۱۹۸۲ ناگهان دوباره رشد. این فوران جدایی که خیلی زود در آذهان زنان به‌عنوان چاره‌ای عملی و راه‌حلی جذاب برای گریز از مسئولیت خانوادگی جا افتاد، در دههٔ نود نیز جریان پیدا کرد و اگر توصیهٔ کارشناسان نسبت به تصفیهٔ محیط عمومی کار جدی گرفته نشود، مقدار آن به بیش از پنجاه درصد نیز خواهد رسید. غیبت اجباری پدر و مادر مهم‌ترین دلیل رفتار ضداجتماعی، افسردگی و سایر آسیب‌های روانی فرد در طول زندگی آتی او شمرده می‌شود و این غیبت به‌خودی‌خود خرجهٔ محرومیت‌های بیشتری را در انتقال آن از طریق نسل‌هاست، موجب می‌شود.

در فاصلهٔ سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ س‌سازمان روان‌شناسی آمریکا (APA) گزارش‌هایی پیرامون تأثیر مخرب نگرش فمینیستی بر زندگی زنان و دختران در آمریکا تهیه کرد. این گزارش‌ها با‌اشعار به موارد متعدد، تغییر ارزش‌های حاکم بر زندگی دختران را عامل اصلی بروز آسیب در حوزهٔ دختران برشمردند. مؤلفه‌های نظیر در نظر گرفتن ارزش یک زن بر مبنای رفتار یا جاذبهٔ جنسی، تحمیل تمایلات جنسی بر زنان به‌طرق مختلف، و تبدیل زنان و دختران به کالای جنسی فاقد استقلال رأی، از موازین ثابت مکاتب طرف‌دار فمینیسم بود. در یکی از سطور این گزارش آمده است: شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد «ایجاد کردن دیدگاه جنسی» در میان زنان، موجب بروز اختلال در فرایند یادگیری آنان می‌شود. نگاه به فرد به‌عنوان ابزار جنسی می‌تواند منجر به ناراضیاتی جسمی، اختلالات غذایی، عزت‌نفس پایین، احساس افسردگی و حتی بروز مشکلات سلامت جسمی در دختران دبیرستانی و زنان جوان شود.

**مشکلی که حل نخواهد شد**

طرفداران اصالت برابری زن و مرد، زن را صرفاً در نقش‌های ژنتیکی می‌بینند و با استفاده از شعارهای برعکس‌طریق. نه‌تنها کرامت و ارزش ذاتی مقام زن را حفظ نمی‌کنند، بلکه با پرده‌ری از شخصیت و هویت‌زایی از نهاد خانواده، زمینه را برای تحت سلطه واردوان، استثمار و اعمال خضوت جنسی علیه زنان فراهم می‌کنند. تأکید بر اختلاط بیش از اندازهٔ زنان و مردان در محیط کار، فضایی را ایجاد می‌کند که در آن «زن بودن» تقریباً مترادف با کالای جنسی بودن و فروامش کردن نقش‌های خانوادگی و اجتماعی است. به‌طور مثال، یکی از دلایل بروز استرس در دوران کودکی، دور بودن کودکان از والدین در زمان خریدنی است. مجموعهٔ نگران‌کننده‌ای از تحقیقات انجام شده بر روی کودکان فکری، اعتماد‌نفس پایین، رفتارهای خشن، ضعف مهارت‌های اجتماعی و کاهش عملکرد تحصیلی و در آینده نیز یأس، پوچی و روی آوردن به مواد مخدر می‌شود. احساس خرابیدهٔ بیگانگی و انزوا‌ی حسی، خیات به رابطهٔ ناشنویی و طلاق عاطفی نیز مشکلاتی است که والدین مشغول به کار را در معرض خود قرار می‌دهد. در مقابل چنین آمارِ ی‌پرسیده‌ای این زندگی مناسب فغدغه را حل هست؟ چه نوع زندگی را فراروی کودکانمان قرار می‌دهیم؟ آیا بازی با بارفا و آمار و مسائل مادی و سکس‌وکار آنقدر مهم است که سعادت کودکانمان را فدای آن کنیم؟ برای پاسخ صریح به دقیق به این سؤالات، باید به مرزهای الهی و انسانی رجعت کنیم. \* کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی

## چرا افزایش جمعیت برای رسانه‌های غربی مهم است؟

دکتر سمیرا خطیب‌زاده



جمعیت زیس‌دار به‌عنوان الگوی تبلیغات بازرگانی انتخاب نکرده‌اند.

چند سال قبل نیز در کاخ کرملین روسیه شاهد اتفاقی جالبی بودیم. مراسم‌ی که در آن «شان ملی» این روسان از سوی پوتین به منتخب این نشان اهدا شد. این نشانی از کشور روسیه «والدین بافتخار» نام‌گذاری شده بود. نکتهٔ قابل تأمل آن بود که این نشان به زوج‌های جوانی تقدیم نشد که نخبه، مخترع و یا مبتکر باشند بلکه این «شان ملی» که در کشور روسیه از درجه اهمیت سیاسی و اجتماعی بالایی نیز برخوردار است در سه «خانواده‌های برجعیّت» در نظر گرفته‌شده بود.

کوخسان‌کن آن که تأکید و اشاره ما در مطلب بر خطا بودن استمرار سیاست تحدید نسل و پای فشاری به نیاز جامعه به نیروی جوان و تحصیل‌کرده است، چراکه آنچه موجب پیشرفت یک کشور در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌شود، امید، شادابی و نشاط است، که این عناصر مسلماً در نسل جوان موج می‌زند و همین مسئله موجب افزایش سرعت حرکت کشور به سمت‌وسوی پیشرفت و رشد و تعالی خواهد شد.
انتخاب خانواده‌های سالم از لحاظ جسمی و فکری و تربیت‌یافته جهت تقویت نظام سیاسی هر کشور و تقویت جایگاه آن کشور در عرصه بین‌المللی است. کشور ایران به‌طور طبیعی و جغرافیایی ظرفیت و پذیرش جمعیت بیشتر را دارد لذا سیاست کنترل جمعیت باید از اوایل دهه هفتاد بازنگزی و حتی متوقف می‌شده است چراکه جمعیت جوان و تربیت و پرورش حیوانات به خصوص سسگ را برای زنان ایرانی تجویز می‌کنند!
چندی پیش هم شاهدی این تبلیغات در شبکه ماهواره‌ای «من و تو» بود این زنان ایرانی در حالی که به‌جای باردن آوری در کنترل جمعیت این توافقنامه از سوی دولت یازدهم، مجلس شورای اسلامی نیز پیوستن به توافقنامه او، هوایی پاریس را بررسی و تصویب کرد، این مضموبه برای تأیید نهایی به شورای نگهبان فرستاده شد که شورای نگهبان ایراداتی نسبت به این توافقنامه ابراهام است؛ بررسی‌های نهایی توسط نمایندگان آن رشته است؛ جوان بویا و باشناط باری کنند.